

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

عرض کردیم که دلیل سوم کسانی که منع از احتیاط کردند و گفته‌اند در فرضی که تمکن از اجتهاد یا تقلید هست، عمل به احتیاط جایز نیست، این است که احتیاط عنوان لعب امر مولا را دارد و لعب، یک عنوان مذمومی هست و اگر بر عمل انسان، عنوان مذموم انطباق پیدا کرد، این عمل مصداق مأمور به واقع نمی‌شود و با این عمل، امتثال مولا تحقق پیدا نمی‌کند. این خلاصه دلیل بود.

محقق اصفهانی(ره) نقدي بر این جواب فرموده‌اند که نقد محکم و مهمی است.

نقد محقق اصفهانی بر سه احتمال

مرحوم محقق اصفهانی در رساله‌ای که در اجتهاد و تقلید دارند (ص 185) - این رساله در کتابی با عنوان بحوث فی علم الاصول از مرحوم اصفهانی آمده است، که در این کتاب، مباحثی مطرح شده که یک رساله هم در اجتهاد و تقلید است - بر این دلیل نقد کرده‌اند و فرموده‌اند اینکه می‌گوییم تکرار، موجب لعب به امر مولاست، سه احتمال در آن وجود دارد:

احتمال اول این است که این لعب، به قصد الامر ضرر وارد می‌کند، یعنی اگر عمل انسان، عنوان لعبی را پیدا کرد این لعب سبب می‌شود که دیگر به وسیله این عمل، نتوانیم قصد امتثال امر مولا کنیم. این یک احتمال.

احتمال دوم این‌که مقصود شما این باشد که این لعب، سبب تشریک در داعی می‌شود، یعنی الان عمل شما دو عنوان دارد یکی به قصد امر انجام می‌دهید، دوم عنوان لعب هم در آن وجود دارد. در داعی، شراکت و تشریک به وجود می‌آید.

احتمال سوم این است که اصلاً مقصود شما هیچکدام یک از این دو احتمال نیست، بلکه مقصود این است که در اثر تکرار، عمل شما یک عنوانی پیدا می‌کند که آن عنوان لعب است. یعنی خود این صلاة می‌شود صلاة لعبی، این صلاتی که مکرر انجام می‌دهید می‌شود لعبی و این عنوان، عنوان قبیحی است. خود عمل معنون به یک عنوان قبیح به نام لعب می‌شود.

محقق اصفهانی بخاطر آن افق عقلانی قوی که دارد، مسئله را از همه اطراف محاصره می‌کند، می‌فرماید شما که می‌گویید تکرار، لعب به امر مولاست، از سه حال بیرون نیست، یا لعب به قصد الامر است، یا تشریک در داعی است، یا احتمال سوم

است، که هر سه احتمال باطل است. اگر اثبات کردیم که هر سه احتمال باطل است، این دلیل به طور کلی از دلیلیت ساقط می‌شود.

نقد احتمال اول

اما احتمال اول؛ فرمودند اینکه بگوییم تکرار، به قصد امر ضربه وارد می‌کند، هذا خلف؛ این خلف مفروض ما در باب احتیاط است. ما در باب احتیاط، فرض را اینطور گرفتیم که آن کسی که به چهار طرف نماز می‌خواند، اگر از او سؤال کنیم که تو به هر طرفی که نماز می‌خوانی داعی تو برای عمل چیست؟ می‌گوید داعی من همان امری است که مولا کرده. لولا آن امر مولا، من اصلاً نماز نمی‌خواندم، به یک طرفش هم نماز نمی‌خواندم. این که الان هم دارم به چهار طرف نماز می‌خوانم برای این است که آنچه که داعی برای عمل من هست امر است.

ما در باب احتیاط می‌گوییم فرض این است که مکلف برای امتثال همان امر مولا، چهار نماز می‌خواند، به امید اینکه یکی از اینها به طرف قبله واقعی است. پس این احتمال اول باطل است؛ یعنی لعب، ضربه و خدشه‌ای به قصد الامر وارد نمی‌کند. یعنی اگر هم بپذیریم این عمل ما، عنوان لعب را دارد، باز قصد الامر هم در آن موجود است.

نقد احتمال دوم

احتمال دوم این بود که بگوییم در این داعی، یک تشریکی به وجود می‌آید.

این هم برخلاف فرض ماست، فرض ما این است که در قصد الامر و در آنچه که داعی شده، هیچ چیزی دخالت ندارد، داعی همان امر است و این لعب حتی به نحو شراکت، کنار این قصد الامر هم وجود ندارد. نمی‌گوییم می‌خواهم این عمل را للامر و للعب انجام بدهم، به نحو تشریک هم وجود ندارد. لذا بطلان این دو احتمال خیلی روشن است. کسانی هم که آمده‌اند این دلیل سوم را آورده‌اند، روشن است که این دو احتمال را اصلاً قصد نکرده‌اند.

آنچه که مهمتر از این دو احتمال است؛ احتمال سوم است؛ یعنی مستدل بگوید که در اثر تکرار، قصد الامر به هم نمی‌خورد، در آن تشریک هم به وجود نمی‌آید، اما عمل ما یک عنوانی پیدا می‌کند، مثل اینکه شما در وضو گاهی می‌گویید این وضوی ما که همه شرائط هم در آن هست، یک عنوانی پیدا کرده بنام «حرج»، لذا به آن می‌گوییم «عناوین ثانویه»، وضو یک عنوانی پیدا کرده به نام «وضوی ضرری».

حالا در اینجا بگوید در اثر احتیاط، نماز به این طرف شده لعبی، در هر چهار طرف نماز ما عنوان پیدا می‌کند به عنوان لعبی. لعب هم یک عنوان قبیح است، اگر عنوان قبیح شد، انسان با فعل قبیح نمی‌تواند امتثال کند.

نقد احتمال سوم

مرحوم اصفهانی در نقد این احتمال سوم ابتدا می‌فرمایند سؤال ما این است که این لعب، چگونه در اینجا حادث می‌شود؟ اینکه شما می‌گویید عنوان لعب در اینجا است، سبب تحقق این لعب چیست؟

اگر ما سبب تحقق لعب را؛ خود عمل بگیریم، این اشکال شما وارد است. یعنی بگوییم آقا «العمل المکرر» این عمل خودش به

عنوان «لعب» معنون می‌شود، یعنی بگوئیم نماز به چند طرف، لعب است. اگر خود عمل، لعب باشد، اینجا عمل از عناوینی است که باید دقت کنیم فرقی چیست؟ بین «تکریر العمل» و «العمل المکرر» فرق است.

اگر گفتیم خود «عمل مکرر» یعنی نماز به اینطرف، خودش عنوان لعب را دارد، اینجا هم این استدلال اینها تمام است. در حالی که خود این عمل، عنوان لعب را ندارد، چه چیزی عنوان لعب را دارد؟ «تکریر»، یعنی وقتی نماز را به این طرف خواند، به آن طرف هم خواند، به طرف سوم هم خواند، چهارم که تمام شد، تکرار که محقق شد، تازه لعب می‌آید. اما خود عمل، عنوان لعب را ندارد.

بعد مرحوم اصفهانی در ادامه و در توضیح مقصودشان فرموده است که هم در امتثال تفصیلی و هم در امتثال اجمالی ما یقین به حصول اطاعت و امتثال پیدا می‌کنیم. شما آنجا که اجتهاد کردید یا مثلاً در زمان حضور معصوم (ع) از معصوم سؤال شده - که این بحث اتفاقاً از بحث‌هایی است که به اینجا ارتباط هم دارد، گاهی اوقات سؤال می‌کنند که آیا در زمانی که امام زمان (عج) حضور پیدا کنند و غیبتشان تمام شود و ظهور پیدا کنند، آیا در آن زمان، باز اجتهاد و تقلید معنا دارد یا نه؟ می‌گوییم بله معنا دارد. با اینکه یک مجتهد امکان اینکه بفهمد حکم واقعی چیست، بتواند برود خدمت امام سؤال هم کند، حالا لمشفة، یا روی یک جهتی نتوانست برود سؤال کند، اجتهاد کرد، آن هم کافی است. چرا؟ علتش اینجاست -، مرحوم اصفهانی می‌فرماید هم در آنجایی که کسی می‌رود سؤال می‌کند و امتثال تفصیلی پیدا می‌کند و هم در احتیاط که امتثال اجمالی است، در هر دو؛ اطاعت یقینی و امتثال یقینی حاصل می‌شود.

من در احتیاط می‌دانم سه‌تای آن اشکال دارد، اما در واقع یکی از اینها که نمی‌دانم کدام است، مصداق برای امتثال واقعی است. یقین دارم به حصول امتثال یقینی اما به نحو اجمال، نمی‌توانم بگویم کدامیک از اینها با آن امتثال واقع شده، اما امتثال یقینی هست.

حالا این را برای چه می‌گویند؟ می‌فرمایند این که در احتیاط، ما امتثال یقینی داریم، یعنی یکی از این افراد احتیاط، یکی از مصداق آن فعل جامع الشرائط هست و آن عنوان امتثال را دارد و خود آن ممثل به عنوان لعب نیست. بله، ممکن است تکرار، معنون به عنوان لعب شود، اما چون خود آن تک تک عمل‌ها معنون به لعب نیست، اشکال ندارد.

در اینجا مرحوم اصفهانی می‌فرماید: اگر از ما سؤال کنند که چهار نماز خواندید، آیا هر نماز فی حد نفسها لعب بود؟ می‌گوییم: نه. می‌گوید چه چیزی لعب است؟ می‌گوییم مجموع من حیث المجموع. این «العمل المکرر» لعب نیست، «تکریر در عمل»، این عنوان لعب را دارد. تکریر؛ همان مجموع من حیث المجموع است.

پس اگر مجموع من حیث المجموع شد، یعنی آن عملی که مطابق با واقع است و عنوان امتثال را دارد آن عمل خودش عنوان لعب را ندارد و با آن امتثال یقینی حاصل می‌شود.

بعد فرموده است این جوابی که ما تا اینجا دادیم، تازه در فرصتی است که کسی بگوید من در دوران بین امتثال علمی از یک طرف و اجتهاد و تقلید از طرف دیگر بودم. اینجا جواب همین جوابی است که ما گفتیم، یعنی اگر کسی راه دارد که برود علم پیدا کند، مثل همان زمان ظهور، که برود حکم مسئله را بپرسد و بداند و سپس امتثال کند، یا نرود سؤال کند، بلکه از راه اجتهاد و تقلید وارد شود.

اما در جایی که الان یک راه، راه احتیاطی است، یک راه هم راه اجتهاد و تقلید است، تازه در راه احتیاطش هم چنین نیست که بگوییم این امتثال، به آن نحوی است که انسان برود علم پیدا کند، تعبیری که دارند این است که تمام این مطالبی که ما گفتیم در

موردي است که بتواند تمکن از امتثال تفصیلي علماً پیدا کند، یعنی بتواند علم پیدا کند که این عمل، عنوان امتثال تفصیلي را دارد، اما در جایی که از روی اجتهاد و تقلید است، به تعبیر ایشان دوران بین اجتهاد و تقلید از یک طرف، احتیاط از طرف دیگر، می‌فرمایند اینجا به هیچ وجهی مستلزم لعب یا مستلزم لغو نیست.

چرا؟ چون می‌گوید آن راهی که اجتهادی است یا تقلیدی، آن راه ممکن است شخص را به واقع نرساند، اما این راه احتیاط این شخص را به واقع می‌رساند.

پس در فرضی که انسان بتواند امتثال تفصیلي علمی پیدا کند، باز مرحوم اصفهانی می‌فرماید احتیاط مانعی ندارد. در فرضی که عنوان تفصیلي علمی هست، که می‌تواند خدمت امام(ع) برود سؤال کند، در اینجا باز اگر احتیاط کرد، مانعی ندارد.

حالا یک پله پایین‌تر، امکان امتثال تفصیلي علمی نیست، باید یا اجتهاد کند یا تقلید کند، اینجا مرحوم اصفهانی می‌خواهد بفرماید به طریق اولی می‌شود که اجتهاد و تقلید را کنار بگذارد و برود سراغ عمل به احتیاط. این تمام جوابی که مرحوم اصفهانی در اینجا بیان کردند.

نظر استاد محترم

انصافاً این جواب، یک جواب تامی است که هر چه دقت کردیم خدشه‌ای در آن وارد نیست.

بیان صاحب تفصیل الشریعه

ذیل فرمایش مرحوم محقق اصفهانی، والد بزرگوار ما در کتاب تفصیل الشریعه یک تکمیلی بر فرمایش ایشان دارند. ایشان هم نظریه مرحوم اصفهانی را پذیرفته‌اند و می‌فرمایند: مرحوم اصفهانی اثبات کردند که احتیاط و تکرار، نه ضربه‌ای به قصد امر می‌زند و نه تشریک در داعی است و نه آن احتمال سوم، اما سَلَمْنَا که اینها هم باشد، ولی باز به محل نزاع ما خدشه وارد نمی‌کند.

محل نزاع ما در این مسئله که می‌گوییم در زمانی که کسی تمکن از اجتهاد و تقلید دارد، می‌تواند عمل به احتیاط کند ولو احتیاطش هم مستلزم تکرار باشد، جایی است که یک عملی که جامعاً لجميع الشرائط است انجام بدهد.

اگر شما می‌گویید که این بداعی الامر ضربه می‌زند، این خروج از محل نزاع است.

ما می‌گوییم اگر کسی در یک فرضی احتیاط کرد و در اثر تکرار در عمل، آن عملی که مأمور به واقعی بود (مأمور به واقعی یعنی عمل جامعاً لجميع الشرائط) را آورد، آیا این کافی است یا کافی نیست؟ لذا اگر کسی بگوید این سبب می‌شود که به داعی الامر ضربه‌ای وارد شود، این خروج از محل نزاع است.

این تکمیل را هم ایشان در آنجا آوردند، البته حالا دیگر نیازی به این تکمیل نیست، همین بیان محققانه مرحوم اصفهانی خودش این اشکال را به خوبی حل کرده است.

دلیل چهارم

چهارمین دلیل مانعین احتیاط؛ دلیلی است که مرحوم شیخ در کتاب رسائل بیان فرموده است. و آن این است که عمل احتیاطی؛ مستلزم تشریع است. برای اینکه کسی که یک فعلی را به صورت مکرر انجام می‌دهد، در هر عملش قصد قربت و قصد الامر می‌کند، در حالی که ما می‌دانیم قصر الامر در یکی از این چهار تا مشروعیت دارد، نه در همه اینها. پس اگر به چهار طرف ایستاد و نماز خواند، یا در شبیه حکمیه نمی‌داند نماز ظهر واجب است یا نماز جمعه، اگر هم نماز ظهر را به قصد قربت و به قصد امر خواند، هم نماز جمعه را، این مستلزم تشریع است. چرا؟ برای اینکه ما می‌دانیم فقط در یکی از اینها قصد الامر و قصد قربت مشروعیت دارد، اما در بقیه قصد الامر مشروعیت ندارد.

نقد استاد بر دلیل چهارم

بطلان این دلیل چهارم هم خیلی روشن است و چند نقد در اینجا می‌توانیم مطرح کنیم.

نقد اول؛ ما بحث را می‌آوریم در همین شبیه حکمیه، می‌گوییم الان نماز ظهر را به قصد قربت می‌خواند، نماز جمعه را هم به قصد قربت می‌خواند. قصد قربت یعنی چه؟ یعنی قصد الامر. اگر از این شخصی که دارد تکرار می‌کند سؤال کنید شما اینجا دو امر دارید (یکی به نماز جمعه یکی به نماز ظهر) یا یک امر دارید؟ می‌گوید یک امر داریم. پس هر دو عمل را به قصد همان یک امر انجام می‌دهد.

بله، اگر نماز ظهر را به قصد امری بخواند که متوجه ظهر است، نماز جمعه را هم به قصد امری بخواند که متوجه نماز جمعه است، این می‌شود تشریع. چون این علم اجمالی دارد؛ یا نماز جمعه امر دارد یا نماز ظهر امر دارد. این آقا که تکرار می‌کند، می‌گوید من نمی‌دانم واجب واقعی چیست؟ حالا نماز ظهر را می‌خوانم به قصد آن امری که به واجب واقعی تعلق پیدا کرده، اما آیا به ظهر تعلق پیدا کرده یا نه؟ می‌گوید نمی‌دانم. به جمعه تعلق پیدا کرده یا نه؟ می‌گوید نمی‌دانم.

پس چون در اینجا این کسی که عمل را تکرار می‌کند، خودش می‌گوید یک امر داریم، می‌گوید من هر دو عمل را به قصد امتثال آن امری که به واجب واقعی تعلق پیدا کرده می‌خوانم، پس این عنوان تشریع را ندارد.

نقد دوم؛ سَلَمْنَا که اینجا تشریع باشد، اگر گفتیم احتیاط در یک عمل، تشریع است، مگر تشریع موجب بطلان عمل ما می‌شود؟ اصلاً بحث را از عمل احتیاطی خارج کنیم. الان شما نماز ظهرتان را خواندید تمام شد. بگویید من بعد از نماز ظهر می‌خواهم یک رکعت تشریعاً بخوانم، بخوان. یک رکعت که شما تشریعاً خواندید، سؤال این است آیا اخلاقی در نماز ظهرتان وارد می‌کند؟ نه. آن یک رکعت باطل است، حرام هم هست. اما آیا این تشریع سرایت می‌کند؟ نماز ظهر صحیح شما را هم باطل می‌کند؟ نه. آنجا هم همینطور است.

در نماز ظهر و نماز جمعه که عمل احتیاطی است، ما می‌دانیم یکی از اینها مطابق با واقع است، اما کدام است نمی‌دانیم. می‌دانیم یکی مطابق با واقع است، یکی هم مطابق با واقع نیست، بگویید تشریع است. ما در جواب اول گفتیم تشریع لازم نمی‌آید، می‌گوییم آقا اجمالاً دو عمل انجام می‌دهم، یکی مطابق مأمور به واقعی، یکی هم عنوان تشریع را دارد. مگر این به مأمور به واقعی ضربه‌ای وارد می‌کند؟ اگر کسی بگوید باید یک امر انجام دهد، خود این عمل تشریع باشد، این تشریع عمل را از بین می‌برد. بحث ما این است که دو عمل انجام شده، می‌گوییم این دو عمل یکی مطابق با واقع است، کدام است؟ نمی‌دانیم. یکی هم مخالف با واقع است و حرام است و تشریع، آن کدام است؟ نمی‌دانیم.

اما این را می‌دانیم آنکه مخالف با واقع و تشریع است، به دیگری سرایت نمی‌کند، مثل همان مثالی که عرض کردم، فرقی با آن مثال نمی‌کند، فقط در آن مثال من می‌دانم نماز ظهر من مأمور به من بوده و می‌دانم آن یک رکعت ادخال ما لیس من الدین فی الدین است و تشریع به حرام، اما ضربه‌ای به نماز ظهر وارد نمی‌کند. اما در اینجا که نماز ظهر و نماز جمعه است، کمبودش این است که نمی‌دانم کدامش تشریع است و کدامش مطابق با واقع است. اما ضربه‌ای وارد نمی‌کند.

بعبارة آخری؛ ما از اول گفتیم در این بحث که اگر کسی تمکن از اجتهاد یا تقلید دارد، آیا می‌تواند از روز اول احتیاط کند؟ عرض کردیم محل نزاع در چیست؟ محل نزاع در این است که آیا با عمل احتیاطی، آن امتثال واقعی انجام می‌شود یا نه؟ می‌گوییم بله، انجام می‌شود. حالا ولو اینکه کنار آن امتثال واقعی، یک تشریعی هم کرده باشد، تشریع ضربه‌ای به خود آن امتثال واقعی وارد نمی‌کند.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين